به یاد دکتر هوشنگ اعلم، شخصیت برجسته ی فرهنگ و ادب ایران

نشایی مقدم، رضا

از شمار دو چشم یک تن کم‏ وز شمار خرد هزاران بیش

استاد دکتر هوشنگ اعلم دانشمند توانا،محقق زبردست،زبان‏شناس و استادی برجسته در تاریخ علم و فرهنگ و ترجمه در خرداد سال‏ جاری(1386)در سن 79 سالگی در تهران دار فانی را وداع و به دیار باقی‏ شتافت.

پیکر آن بزرگوار با تجلیل تمام در حالی که اکثر دانشمندان و محققان‏ برجسته و مقامات دانشگاهی در تشیع جنازه‏ی آن فقید سعید شرکت داشتند در قطعه‏ی هنرمندان بهشت‏زهرا به خاک سپرده شد.استاد سال‏های متمادی‏ در ساری تدریس می‏کرد،ازاین‏رو برای اکثر درس‏خوانده‏ها و دبیرستان‏رفته‏های مردم ساری شخصیت کاملا شناخته شده‏یی بود.

استاد در ابتدای جوانی،سال‏های 30-29 در دبیرستان‏های این شهر با عشق و علاقه به تدریس زبان‏های انگلیسی و فرانسه مشغول بود(لازم به‏ ذکر است که در آن سال‏ها هر دو زبان در دبیرستان‏ها تدریس می‏شد)،دکتر اعلم شاگردانی تحویل جامعه داد که هم‏اکنون اکثرا از مقامات علمی و فرهنگی مملکت می‏باشند.ازاین‏رو همیشه نام او را با احترام فراوان یاد می‏کنند و ترقی خود را مرهون زحمات بی‏دریغ ایشان می‏دانند،دکتر اعلم در سال 1307 هجری شمسی در خانواده‏یی از اهل فضل و ادب در تهران‏زاده‏ شد،پدرش نصر اله خان ملقب به اعلم السلطنه و عمویش احمد خان ملقب به‏ ممتاز الاطبا از اولین گروه فارغ التحصیلان رشته‏ی طب از مدرسه‏ی دارالفنون‏ تهران بودند،هر دو این بزرگواران(نصر اله خان و احمد خان)القاب اشاره شده‏ را از مظفر الدین شاه قاجار دریافت کردند،استاد اعلم تعلیمات اولیه را از پدر فراگرفت.پدر شخصا او و خواهرش را در زیر چتر تعلیم و تربیت خود گرفت، زبان انگلیسی و فرانسه،گلستان سعدی،هنر خوشنویسی و تعلیم سیاه مشق‏ به آن‏ها آموخت و هر دوی آن‏ها هم به خوبی پاسخگوی زحمات پدر شدند.

دکتر اعلم در مدرسه و دانشگاه خوش درخشید.پس از پایان تحصیلات‏ دانشگاه در مقام دبیر زبان به ساری آمد.در تمام مدت،معلمی علاقه‏مند و دل‏سوز،سخت‏گیر و سخت‏کوش،متعهد و مسوول،چند سالی به تعلیم‏ جوانان این شهر مشغول بود،تا این‏که پس از گذراندن امتحان اعزام به خارج‏ در بین داوطلبان بسیار،ممتاز شناخته شد و با اخذ بورس تحصیلی راهی امریکا شد و در دانشگاه میشیگان با جدیت و علاقه‏ی فراوان به ادامه تحصیل‏ پرداخت.

پس از مراجعت از آمریکا در سال 40-36 مجددا به ساری آمد و مشغول‏ آموزش گردید،دیری نپایید که آوازه‏ی او در استان پیچید و کلاس درس او مملو از علاقه‏مندان زبان خارجی گردید،ازاین‏رو همه‏ی پدر و مادرها آرزو داشتند که آقای اعلم معلم زبان پزشکان و دیگر علاقه‏مندان جهت تکمیل زبان‏ انگلیسی یا فرانسه‏ی خود به خاطر ادامه‏ی تحصیل در خارج از کشور از کلاس‏ رضا نشایی مقدم-ساری

درس استاد استفاده نمایند.اکثرا هم توفیقات مطلوبی کسب کردند،تا این‏که‏ استاد بار دیگر راهی کشور امریکا شد و این‏بار استاد فرزانه بار سفر را می‏بندد و به قولی خلوت‏گزین دیار غربت می‏شود.پس از کسب مدارج و مدارک عالی‏ تحصیلی با دست پر و با اندوخته‏های علمی و ادبی فراوان با پیشی‏گرفتن از تمام هم‏کلاسان،حتا امریکایی‏های دانشگاه،راهی وطن خود گردید. جاذبه‏های فراوان آن دیار و وعده‏های مسوولین دانشگاه نتوانست عقیده‏ی او را تغییر دهد و به وطن بازگشت.

در کتاب‏خانه‏ی عظیم مرکز و در کنار انبوهی از کتب آن محیط به‏ عرصه‏ی پهناور دیگری گام نهاد،علاوه‏بر آن در فرهنگستان ایران تدریس و پژوهش می‏کرد.چند سالی در وزارت فرهنگ‏وهنر سابق خدمت کرد تا این‏که بازنشستگی اجباری بار دیگر استاد را دلگیر کرد.از آن‏جایی که‏ مترجمی توانا و همه‏فن‏حریف و در کار ویرایش و ترجمه بی‏نهایت توانمند بود، به دانشنامه‏ی جهان اسلام راه می‏یابد و کار دایرة المعارف‏نگاری حرفه‏یی،کار سترگ ادبی دیگری را آغاز می‏کند و به جرگه‏ی همکاران موفق و جدی و کارآزموده‏ی دایرة المعارف درمی‏آید.

استاد با بیش‏از 150 ترجمه و تالیف در عرصه‏های مختلف فرهنگ و ادب،از نوادر روزگار به شمار می‏رود.دکتر اعلم علاقه‏ی وافری به ساری و زبان مازندرانی در کلیه‏ی سطوح این استان داشت و به همین سبب و بدین خاطر تز دکترای خود را«جنبه‏های زبان‏شناختی زبان مازندرانی»انتخاب‏ و رتبه‏ی عالی هم به دست آورد،ازاین‏رو هر زمانی که استاد فرصت داشت به‏ ساری می‏آمد و مهمان ساروی‏ها و شاگردانش می‏شد،با همه دوست بود و هم‏کلامی قسمت این‏جانب می‏شد،در منازل دوستان شاگردان سابق به اتفاق‏ دور هم جمع می‏شدیم و یاد خوش کلاس درس استاد اعلم را با حضور خودش‏ زنده می‏کردیم و تا پاسی از شب مثل پروانه پیرامون وجود این بزرگوار می‏گشتیم.

استاد خطی بسیار خوش داشت،همیشه یک قوطی سیگار پر از گچ‏های‏ رنگارنگ در جیبش بود که با آن‏ها روی تخته‏سیاه کلاس‏ می‏نوشت که بیننده خیال می‏کرد کاغذ الوان چاپ شده را به تخته‏سیاه کلاس‏ چسبانیده‏اند،به طوری که مدت‏ها روی تخته‏سیاه باقی می‏ماند،زنگ‏های بعد معلمین دل نداشتند آن را پاک کنند و همان‏طور کتیبه‏وار خودنمایی می‏کرد. گاهی اوقات که با هم بودیم و با هم صحبت می‏کردیم،با تعجب می‏دیدم که‏ تمامی ضرب‏المثل‏ها و اصطلاحات محلی مازندرانی را به خوبی می‏داند و هزاران خصوصیات خوب اخلاقی داشت که ذکر آن حالی و مجال دیگری را می‏طلبد.

استاد،هنرهای فراوانی در فن تحقیق و ترجمه و تفسیر در ادبیات‏ انگلیسی،فرانسه و فارسی را دارا بود،ایشان پژوهشگر،مترجم، ویراستار،مشاور علمی و عضو گروه تاریخ و علم بنیاد دایرة المعارف‏ و یکی از برجسته‏ترین دانش‏نامه‏نگاران متواضع و بی‏ادعای‏ کشورمان بود که خود دارای بیش از نیم قرن تجربه‏ی علمی و خدمات راستین و کم‏نظیر بود.

مجموع مقاله‏های او در مجلدات اول تا پنجم دانشنامه‏ی‏ جهان اسلام کتابی بسیار مفید در 450 صفحه است که قسمتی از نوشته‏ها و تحقیقات جامع و کامل او می‏باشد.اکثر همکاران و هم‏ردیفان ایشان از جمله استاد ایرج افشار،دانشمند و محقق ارزنده‏ در عرصه‏ی پژوهش و فرهنگ ایران از دانش و هوش و انضباط علمی وی سخن گفته و توصیف می فرماید:«اعلم همیشه مصرّ بوده که نوشته‏هایش ابداعی باشد.ضمن آن‏که تازگی و طراوت‏ داشته،استوار و عالمانه باشد و معتقد است برجستگی اعلم را مسلّما از نگاهی به نوشته‏های دایرة المعارف او هم باید دریافت و باور دارد که او یکصد مقاله از این دست دارد که به فارسی و انگلیسی‏ست و در دو دانشنامه‏ی جهان اسلام و ایرانیکا چاپ شده است».این‏ مقاله عمدتا درباره‏ی گیاه‏ها و داروها و حشایش و عقاقیر و مفردات‏ ادویه و حیوانات است و در هر یک خواننده با چند جنبه مربوط به‏ آن‏ها آشنا می‏گردد،از گیاه‏شناسی و بوم‏شناسی بگیرید تا ورود و استعمال شعرهای آن گیاه‏ها و داروها به کرانه‏های ادبی دوران‏های‏ کاربردی و جنبه‏های سوداگری و فرهنگی و مدنی هر یک چندین‏ سال تدریس و سال‏های درازتری از آن در خلوت خویش،هوشنگ‏ اعلم را برای این سرزمین،گنجینه‏یی ساخته است،مالامال از نماد فرهنگ ایران و دیگر دوستان وی هم بر این باورند که نوشته‏ها و آثار استاد اعلم اعم از رساله‏ها و مقالاتش را پلی می‏دانند که‏ می‏تواند ما را از وضع موجود به وضع مطلوب راهنمایی کند.در مقالات ایشان چند خصوصیات بارز می‏یابند که وسعت معلومات‏ نویسنده از بابت احاطه به منابع قبل از اسلام،منابع یونانی و منابع‏ لاتین و احاطه به منابع دوره‏ی اسلامی،کتاب‏های عربی و فارسی‏ و کتاب‏های سده‏های بعدی و نیز احاطه به آن‏چه محققان اروپایی‏ در صد سال و دویست سال گذشته در حوزه‏هایی مانند رواشناسی،گیاه‏شناسی،و حیوان‏شناسی به رشته‏ی تحریر درآمده‏ که خواننده جلوه‏ی این طیف وسیع آثار تحقیقی از آثار قدیم ایرانی‏ و اسلامی و اروپایی را در مقاله به وضوح مشاهده می‏کند.چون‏ مقالات استاد و خصوصیات دیگر،همیشه و در همه حال،پرهیز از تعصب و غلو و مبالغه است و همه متفق القولند که استاد یک امتیاز برجسته دارد که فوق همه‏ی امتیازات شناخته شده است و آن امتیاز اخلاق کریمانه‏ی علمی و بی‏اعتنایی به دنیا و دوری از جاه و مقام‏ و زخارف دنیوی و زهد مخصوص به خودشان بود که باید این‏ امتیازات و خصوصیات مورد توجه همه‏ی اندیشمندان باشد.

استاد اعلم همیشه معتقد بود که نوشته‏ها در حالی که باید دارای خصوصیات مورد توجه باشند،باید دارای تازگی و شادابی بوده مفید و عالمانه هم باشند،بدین مناسب خود نمونه‏ی‏ کامل از فرهنگ ایران محسوب می‏شود.

در سوگ روانشاد استاد دکتر ابو الفضل مصفّا و ماده تاریخ وفات او عرض تسلیت به پیشگاه استاد عالیقدر جناب آقای دکتر مظاهر مصفّا

از:دکتر عباس کی‏منش(متخلص به مشکان گیلانی)،عضو هیات علمی دانشگاه تهران

سزد گر خون ببارد چرخ مینا به سوک طرفه استادی توانا ادیب کم‏نظیری صاحب‏نام‏ همان دکتر ابو الفضل مصفّا همان کو بود از والایی فکر در این دنیا ز هر عیبی مبرّا همان کو در خراب‏آباد گیتی‏ نبودی در سرش جز علم،سودا شدی سرمشق مردان سخنور هرآن متنی که می‏فرمودی انشا ادیبی،فاضلی،دانش‏پژوهشی‏ خردمندی به ملک فضل یکتا همان کو داشت در ملک معانی‏ ید بیضا و انفاس مسیحا ز«فرهنگ اساطیری و تاریخ» همی آراست بهر پیر و برنا هزاران«واژه از دیوان حافظ» نمودی شرح با گفتار شیوا که تا در جمع استادان ذی‏فن‏ همان شد موجب حلّ معما ز«پدرود»و«ره‏آورد»بلندش‏ شدی بزم سخن را مجلس آرا همان کو«اصطلاحات نجومی» فراهم کرد در فرهنگ،زیبا بیانش بهتر از صد تنگ شکّر کلامش خوشتر از شهد مصفّا روانش شد به نزهتگاه رضوان‏ سوی دار بقا،از دار دنیا کنون در ماتم این دانشی مرد کلامی نیست جز لفظ دریغا روان شد تا روانش سوی یزدان‏ به‏امر ارجعی زی عرش اعلا ندا برخاست خود فردوسیان را تفضّل،مرحبا،اهلا و سهلا به عرض تسلیت با سوز گویم‏ به آن کان ادب،گنج سجایا «مظاهر»آن بزرگ استاد دانش‏ که چون باغ ادب باشد مصفّا همان کو در سرای فضل دارد فراوان چامه‏های بکر و غرّا سخندانا،جوانمردا،ادیبا بزرگا،دانشی مردا،شهیرا ز کلک ساحرت اندیشه مشهود ز کلک ساحرت اندیشه مشهود بود این آرزویم در دل تنگ‏ کا باشی در پناه حق‏تعالی‏ مرا تا زین غم سنگین جانکاه‏ سیه شد روزها چون شام یلدا پی تاریخ آن پرسیدم از دوست‏ که چون شد آن ادیب مهر سیما برون از جمع،پای لاشد و گفت‏ (علی‏گویان بهشتی شد مصفّا) اگرچه نارسا باشد کلامش‏ ز«مشکان»در پذیر این تسلیت را

ماده‏تاریخ وفات مرحوم حمید سبک‏دل

با تسلیت به همکار فرهنگی محمد تقی سبک‏دل

از:علی نظمی تبریزی-تبریز

از«سبک‏دل»کس ندید اعمال زشت‏ صد متانت بود او را در سرشت‏ باغبانی بود کاندر باغ دهر جز نهال خیر و خوش‏نامی نکشت‏ بر جهان و جلوه‏ی او دل نبست‏ دید چون ناپایدار،او را بهشت‏ قصر و قیصر کس نمی‏داند چه‏شد نیست اکنون زان دو،الاّ خاک و خشت‏ هم‏چو دیگر رفتگان دنیای دون‏ چون دگرگون کرد او را سرنوشت‏ گفت«نظمی»از پی تاریخ وی‏ (نیک می‏گردد سبک‏دل در بهشت)

1385 شمسی